

## نوآوری‌های دستوری طنز آمیز در مطبوعات معاصر از دیدگاه دستور کاربردینیا

زهرا معین نجف آبادی<sup>۱</sup>

والی رضایی<sup>۲</sup> ✉

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

### چکیده

این مقاله در چارچوب دستور کاربردینیا به دگرگونی زبان به بررسی نوآوری‌های دستوری طنز آمیز سال‌های اخیر در مطبوعات طنز می‌پردازد. هدف پژوهش این است که با جمع‌آوری داده‌ها از مطبوعات طنز دریابد این نوآوری‌های براساس چه سازوکارهایی شکل گرفته، در چه ساخت‌هایی به کار رفته‌است و از میان آنها مواردی که در زبان بسامد بالایی دارند چه ویژگی‌هایی دارند. این نوآوری‌ها در سه بخش طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شده‌اند: ساخت‌های اشتقاقی، ساخت فعل جعلی و ساخت‌های «ال» دار. با بررسی مشخص شد که بیشتر این نوآوری‌های براساس فرایندهای قیاسی در زبان شکل گرفته‌است که حاصل کاربرد زبان است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بیشتر نوآوری‌های دستوری طنز آمیز را می‌توان نشانه‌ی نیاز زبان فارسی به ساخت‌های جدید دانست، ساخت‌هایی که در زبان معیار قابل قبول نیستند اما در فضای طنز و شوخ‌طبعی می‌توان آنها را به کار برد.

واژگان کلیدی: رویکرد کاربردینیا، تغییر زبان، قیاس، بازتحلیل، قرض‌گیری

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

## ۱- مقدمه

زمانی که نوآوری‌های زبانی روی می‌دهد ممکن است در ابتدا از دید بسیاری از گویشوران طنزآمیز به نظر آید، اما با گذشت زمانی نه‌چندان طولانی، برخی از این نوآوری‌های طنزآمیز به دلیل برطرف کردن خلأهای زبانی و ارتباطی وارد زبان رسمی می‌شوند، به گونه‌ای که ممکن است تصور نشود این نوآوری‌ها صرفاً برای ایجاد طنز و شوخی به کار برده می‌شدند. این پژوهش با بررسی تعدادی از نوآوری‌های دستوری طنزآمیز مطبوعات می‌کوشد در آغاز دریابد که این نوآوری‌ها به چه دلایلی و طی چه سازوکارهایی در زبان پدید آمده‌است و از میان آنها مواردی که بسامد بالایی دارند و وارد زبان رسمی شده‌اند چه ویژگی‌هایی دارند و چه عاملی سبب جذب نوآوری‌ها در زبان رسمی گشته‌است.

از سوی دیگر، وقتی ساخت‌های جدید وارد زبان می‌شوند به‌مرور موجب تغییر زبان می‌گردند. این تغییر معمولاً در حوزه واژگان محسوس‌تر و در حوزه دستور تا حدودی نامحسوس به نظر می‌رسد، تاجایی که همان‌گونه که بایبی (۲۰۱۵:۲) بیان می‌کند در بسیاری موارد حتی خود گویشوران نیز متوجه آن نمی‌شوند. شاهد این گفته بایبی تثبیت برخی از نوآوری‌های طنزآمیز در حوزه ساخت‌های اشتقاقی در زبان فارسی است.

از نظر بایبی (۲۰۱۵:۲۳۸) تغییر زبان تصادفی نیست و هدف تمرکز بر مکانیسم‌های شناختی است که در طول رویدادهای ارتباطی عمل می‌کند. به اعتقاد او این مکانیسم‌ها نه تنها مسیر تغییر زبان را مشخص می‌کنند بلکه چرایی و چگونگی تغییرات را نیز بیان می‌کنند. از همین‌رو، این پژوهش می‌کوشد تا علاوه‌بر بررسی ایجاد نوآوری‌های زبانی به دلایلی نیز بپردازد که زمینه ایجاد این نوآوری‌ها را در زبان ایجاد کرده‌است.

متون مطالعه‌شده در این پژوهش مجلات طنز یا ستون طنز مطبوعات سال‌های اخیر است. از آنجاکه در متون طنز، نویسنده خود را از قید قواعد و هنجارهای زبان معیار آزاد می‌داند دست به هنجارشکنی و نوآوری ساختی می‌زند. از طرف دیگر، در چنین بافتی نیازمندی‌های ساختی ظهور می‌یابند. در واقع، در بافت گفتمانی طنز سخنگویان ناخودآگاه آنچه را نیاز دارند خلق می‌کنند.

این مطالعه تحقیقی داده‌بنیاد است و سعی شده تا در زمینه نوآوری‌های دستوری طنزآمیز در زبان فارسی داده‌هایی از منابع گوناگون انتخاب، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شود. اصلی‌ترین متن این پژوهش صفحات طنز روزنامه قانون است که با عنوان «بی‌قانون» انتشار یافته‌است. علاوه‌بر آن، نشریه گل‌آقا، طنز و کاریکاتور، اصفهان، نیمروز و چلچراغ نیز مطالعه

شده‌است. بعد از جمع‌آوری داده‌ها و تشکیل پیکره، ابتدا داده‌ها در سه بخش طبقه‌بندی شدند: نوآوری‌های مربوط به ساخت‌های اشتقاقی، نوآوری‌های مربوط به فعل جعلی و نوآوری‌های مربوط به ساخت‌های «ال» دار. در مرحله بعد بر مبنای تحلیل هر گروه از داده‌ها، به نیازهای زبانی و غیرزبانی پرداخته شد که در ایجاد و پیدایش هر یک از نوآوری‌ها نقش ایفا کردند و نهایتاً دلایل تثبیت یا تثبیت‌نشدن این نوآوری‌های دستوری در زبان بررسی شد.

## ۲- پیشنهاد

در زمینه شوخی‌های زبانی و ایجاد ساختارهای جدید در زبان صفایی و درویشعلی‌پور آستانه (۱۳۹۱) انواع طنز در شوخ‌طبعی‌های جبهه را به سه دسته: کلامی، تصویری و محتوایی طبقه‌بندی می‌کنند. شوخی‌های کلامی شامل انواع بازتحلیل صرفی و نحوی، نقیضه، غافل‌گیری و اصطلاح‌سازی‌های تبسم‌زاست. نگارندگان با اشاره به نظریه طنز کلامی<sup>۱</sup> که از قدرت صورت‌های زبانی در ایجاد طنز مدد می‌جوید معتقدند که یکی از سازوکارهای رایج طنز کلامی در شوخ‌طبعی‌های جبهه، فرایند بازتحلیل است.

مدرسی و وزوایی (۱۳۹۷) با نگاهی به سابقه تاریخی ایجاد ساختارهای جدید در زبان با بررسی و تحلیل اشعار طرزی افشار نشان می‌دهند تغییراتی که طرزی در روزگار خود با ایجاد ساختارهای جدید انجام داده، امروز تحت عنوان «هنجارگریزی» مطرح می‌گردد که عبارت است از ابداع ترکیبات جدید در زبان که در عصر شاعر کاربرد نداشته‌است. نگارندگان برخی از نوآوری‌های زبانی طرزی را ساختن مصدر جعلی از اسم عام، استفاده از نشانه مصدری «یدن» در ترکیب با اسم خاص، آوردن دو اسم مترادف (معطوف و معطوف‌علیه) به صورت مصدر جعلی، آوردن واژگان مرکب به صورت مصدر جعلی و ساختن مصدر جعلی از حرف و ضمیر که حروف عربی را نیز در بر می‌گیرد.

در مورد کاربرد «ال» در ساخت‌های زبان فارسی صادقی (۱۳۵۳) معتقد است این ترکیبات مانند سایر عناصر قرضی در فارسی باید به عنوان ترکیبات فارسی و در محدوده قواعد زبان فارسی صورت گیرد. به اعتقاد صادقی «ال» از نظر نقش و وظیفه ساختمان صرفی به کلی با اصل عربی خود تفاوت دارد زیرا در فارسی «ال» نظیر میانوند در ترکیباتی مانند دمام یا رویاروی و ... در ساختمان کلمات مرکب به کار می‌رود. در این نقش «ال» نه تنها در ترکیباتی که قالبی از عربی گرفته شده‌اند به کار می‌رود بلکه در تعدادی از ترکیباتی که جزء آن فارسی است نیز کاربرد دارد. از این رو می‌توان آن را میانوندی نیمه‌بارور و نیمه‌فعال خواند.

1. verbal Irony

### ۳- چارچوب نظری

دیدگاه کاربردبنیاد در دستور شناختی بر این باور است که بازنمایی شناختی در خلال کاربرد زبان پدید می‌آید و شکل می‌گیرد (بایی، ۲۰۱۰). به این دلیل رویکردهای کاربردبنیاد تمایز میان توانش زبانی و کنش زبانی را آن‌گونه که در دستور زایشی مطرح است نادیده می‌گیرند. این دیدگاه دستور زبان را محصول کاربرد می‌داند. از نظر بایی (۲۰۰۶: ۱) دستور زبان سازماندهی شناختی تجربه افراد با زبان است. بنابراین، در این دیدگاه می‌توان نظام زبان را به واسطه داده‌های کاربردی شناخت.

هرچند عموم نظریه‌های نقش‌گرا مانند گیون (۱۹۹۰)، هلییدی (۱۹۹۴)، دیک (۱۹۸۹) و ون ولین (۲۰۰۵) را می‌توان کاربردبنیاد دانست اما این انواع دستور ساختی مانند دستور شناختی لانگاکر (۲۰۰۸)، دستور ساختی شناختی گلدبرگ (۲۰۰۶) و دستور ساخت‌محور قوی کرافت (۲۰۰۱) است که بیشتر به این نام شهرت دارند.

یکی از مهم‌ترین شواهد زبان‌شناسان شناختی در اثبات پدید آمدن دستور از کاربرد زبان بسامد است (پرک ۲۰۱۵: ۷). مطالعات متعددی نشان داده که بسامد کاربرد نقشی تعیین‌کننده در بازنمایی زبانی دارد. به‌عنوان نمونه کلمات پُربسامد در برابر تغییرات ساخت‌واژی مقاومت بیشتری دارند. بسامد بالا از عواملی است که موجب پدید آمدن صورت‌های ساخت‌واژی بی‌قاعده می‌شود.

بایی پس از پژوهش‌هایی که درباره تأثیر کاربرد زبان بر ساخت‌های زبانی انجام داد در فرضیه‌های اصلی رویکرد زایشی تردید و در مقابل آن رویکرد کاربردبنیاد را ارائه کرد. بایی (۲۰۰۵) براساس این رویکرد معتقد است برای تحلیل ساخت‌های زبانی به جای استفاده از قواعد می‌بایست الگوها و طرحواره‌های زبانی را مبنا قرار داد. او بر این باور است که دستور زبان در نتیجه کاربرد زبان ایجاد شده و به تدریج با تکرار و بسامد در ذهن گویشوران ذخیره شده است. بایی (۲۰۰۵) همچنین معتقد است کاربرد زبان صورت‌ها و معانی دستوری را با تکرار الگوهای زبانی ایجاد می‌کند و با مطالعه فرایندهای دستوری‌شدگی در هر زبان می‌توان دریافت که دستور زبان چگونه در طول زمان ایجاد شده است.

علاوه بر این، بایی (۲۰۰۵: ۷۱۴) معتقد است پنج عامل در تغییر ساختارهای دستوری مؤثرند: ۱- بسامد که موجب مستقل شدن یک سازه از دیگر سازه‌ها می‌گردد. ۲- تأثیر بافتی که در کنار بسامد موجب قراردادی شدن برخی از ساخت‌های دستوری می‌شود. ۳- کاهش آوایی که در ساخت‌های پُربسامد روی می‌دهد. ۴- سرنمون‌هایی که دارای بسامد بالا گردند

به اعضای مرکزی طبقه خود تبدیل می‌گردند. ۵- سرنمون‌های پُرسامد می‌توانند در مقابل تغییر مقاوم شوند.

بایبی (۱۱:۲۰۱۵) در مورد نوآوری‌های زبانی معتقد است زمانی که یک نوآوری در زبان دارای بسامد شد، بسیار دشوار است که بتوان کاربرد آن را متوقف کرد. بایبی (۲:۲۰۱۵) همچنین عامل مهم در تثبیت نوآوری‌های زبانی را شناخت نسبت به فرایندهای ذهنی و همچنین فرایندهای اجتماعی می‌داند که اجازه می‌دهد این نوآوری‌ها در میان گویشوران گسترش یابد.

یکی از فرایندهایی که موجب ایجاد ساخت‌های نوآورانه در زبان می‌گردد قیاس است. همان‌گونه که بایبی (۵۷:۲۰۱۰) بیان می‌کند قیاس فرایندی است که طی آن «گویشور یک عنصر جدید را براساس شباهت آوایی یا معنایی به صورت‌های موجود در سازه‌های قدیمی به کار می‌برد تا ساختارهای جدید ایجاد کند».

در دیدگاه آراتو (۱۷۹:۱۳۷۳) نیز قیاس فرایندی است که به موجب آن صورتی در یک زبان با صورتی دیگر که با آن به نوعی مرتبط است همانند می‌گردد. آراتو معتقد است این تعریف عمدا مبهم ارائه شده، زیرا صورت‌های زبانی به درجات گوناگونی می‌توانند همانند شوند. از دیدگاه آراتو انواع ارتباط نیز ممکن است سبب به وجود آمدن چنین دگرگونی‌هایی گردد، اما یک حکم کلی در مورد عملکرد قیاس این است که قیاس سبب حذف و ناپدید شدن صورت‌های بی‌قاعده و غیرعادی در زبان می‌گردد. علاوه بر این، از دیدگاه آراتو کارکردهای روند قیاس هیچ صورت یا مقوله جدیدی در زبان به وجود نمی‌آورد بلکه تنها سبب گسترش یا تعمیم صورت‌های از پیش موجود در زبان می‌گردد.

آندرسن (۳۶۷:۱۹۹۱) نیز معتقد است قیاس معتبر بر پایه قواعد عام و رایج زبان و در کلیه سطوح آن عمل می‌کند و هر گاه نسل جدید صورت‌های بی‌قاعده قدیمی را به کار نبرد و یا یاد نگیرد احتمالاً صورت باقاعده جانشین آن می‌شود. کیپارسکی<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) معتقد است از دست دادن صورت‌های بی‌قاعده به ساده‌سازی دستور زبان می‌انجامد. کوریلوویچ<sup>۲</sup> (۱۹۴۷) معتقد است صورت‌های ساده‌تر و پایه‌ای‌تر معمولاً اساس ایجاد صورت‌های جدیدتر قرار می‌گیرد. یاکوبسون<sup>۳</sup> (۱۹۳۹) نیز می‌گوید صورت‌های بی‌نشان مانند صورت مذکر در مقابل صورت‌های نشان‌دار مانند صورت مؤنث به دلیل ساده‌تر بودن بیشتر مبنای قیاس قرار می‌گیرند.

1. K. iparski, P

2. Kurylowicz, J.

3. Jakobson, R.

شقاقی (۲۸۸:۱۳۸۰) با اشاره به اینکه در قرن نوزدهم زبان‌شناسان تاریخی توجه خود را به حوزه آوایی و تغییرات آن و شباهت الگوهای زبان معطوف کردند و براساس مشاهدات خود به این نتیجه رسیدند که تغییرات آوایی با چنان نظم‌ی رخ می‌دهد که می‌توان آنها را قانون نامید، بیان می‌کند که به نظر محققانی مانند بائر<sup>۱</sup> (۱۹۸۶)، متیوس<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، آندرسن (۱۹۹۱) و اسپنسر<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) گویشوران زبان‌های مختلف با الگوگیری از ساختار واژه‌های زبان به تولید صورت‌های تصریفی باقاعده دست می‌زنند و حتی ممکن است برای این کار واژه‌های سترون را نیز به کار گیرند. از دیدگاه شقاقی قیاس براساس تجربه‌پذیری زبان عمل می‌کند و گویشوران را قادر می‌سازد با تکیه بر صورت‌های موجود، صورت‌های جدیدی را در زبان بیافرینند. شقاقی (۲۸۸:۱۳۸۰) معتقد است نوآوری‌های قیاسی که افراد بدهتا می‌سازند گاه تقلید و وارد زبان می‌گردد. اما در مواردی نیز از نوآوری‌های قیاسی اقبال عمومی نمی‌شود و آنها به گنجینه واژگان زبان افزوده نمی‌شوند. به اعتقاد شقاقی (۲۸۹:۱۳۸۰) قیاس به‌خودی‌خود عامل تحول نیست اما از عوامل مؤثر در دگرگونی زبان است و چنانچه از قیاس برای نوآوری و تولید صورت‌های جدید استفاده شود می‌تواند مبنایی برای ساخت‌های آتی در زبان قرار گیرد. بابیی (۲۰۱۵:۱۰) از فرایند قیاس باعنوان فرایند تطابق الگو<sup>۴</sup> نیز نام می‌برد که طی آن گویشوران الگوهای زبانی موجود را به الگوهای مشابهی که در ذهن دارند گسترش می‌دهند و به این ترتیب برخی از الگوها را در زبان تقویت می‌کنند. از دیدگاه بابیی این الگوها همان صورت‌های پرکاربرد زبانی هستند که به دلیل بسامد زیاد در زبان، در ذهن گویشوران ذخیره شده‌اند و به محض نیاز به مفاهیم جدید در زبان مبنا قرار می‌گیرند و موجب ایجاد الگوهای جدیدتر در زبان می‌گردند. بابیی (۲۰۱۵:۲۳۸) در همین زمینه معتقد است الگوهای دستوری کم‌بسامد همیشه جای خود را به الگوهای دستوری پُربسامد می‌دهند.

در میان فرایندهای قیاسی فرایند بازتحلیل و فراتحلیل بسامد بیشتری دارد. بازتحلیل براساس تعریفی که بابیی (۲۰۱۵:۱۱۲) آورده عبارت است از فرایندی که طی آن «برخی از عناصر آوایی در یک توالی به دلایلی مانند ریشه‌شناسی عامیانه و یا پسین‌سازی یک تکواژ یا یک واژه جداگانه تلقی می‌شود که منجر به ایجاد تکواژهای جدید در زبان می‌گردد. این تکواژهای جدید معمولاً پایه و اساس نوآوری‌های واژگانی و دستوری در زبان واقع می‌شوند».

1. Bauer, L
2. Matthews, P
3. Spencer, A
4. Pattern-matching

اما در مقابل فرایند بازتحلیل که طی آن ممکن است بخشی از یک واژه به‌عنوان یک تکواژ جداگانه تلقی گردد فرایندی وجود دارد که فراتحلیل نام دارد. در این فرایند همان‌گونه که تراسک (۱۹۷۰:۲۰۱۵) بیان می‌کند مانند فرایند بازتحلیل مرز تکواژها جابه‌جا می‌شود با این تفاوت که به جای جدا شدن بخشی از یک واژه به‌عنوان یک تکواژ مستقل، بخش انتهایی یک کلمه به ابتدای کلمه بعدی می‌چسبد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی نوآوری‌های دستوری طنزآمیزی پرداخته می‌شود که در سال‌های اخیر در مطبوعات به‌کار رفته‌است. این نوآوری‌ها در پژوهش به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند: نوآوری در ساخت‌های اشتقاقی، نوآوری در افعال جعلی، و نوآوری در ساخت «ال» دار. نوآوری‌های اشتقاقی به دو گروه نوآوری در پیشوندها و نوآوری در پسوندها طبقه‌بندی شده‌است.

##### ۴-۱- نوآوری در پیشوندها

نوآوری‌های مربوط به پیشوندها در پیکره جمع‌آوری شده شامل پیشوندهای نا-، بی-، ب-، با-، ن-، پسا- و پیشا- است.

##### ۴-۱-۱- «نا»

درمورد نوآوری‌های طنزآمیز با پیشوند نا- مجموعاً هشت مورد در پیکره مشاهده شد و همان‌گونه که در داده‌ها مشاهده می‌شود تمامی ترکیبات ساخت‌های جدیدی هستند که به قیاس با صورت‌های موجود زبان ایجاد شده‌اند. بنابراین، می‌توانیم آنها را نوآوری در زبان به شمار آوریم.

۱- کشف فسیل یک عنصر نابرجام (قانون، ش ۷۴۰، ص ۱۴)

۲- مسؤولان نامربوطه (قانون، ش ۱۳۵۴، ص ۱۴)

۳- قشر آسیب‌ناپذیر می‌کردید. (صفحه اینستاگرام بی‌قانون، ۱۳۹۸/۷/۲۰)

##### ۴-۱-۲- «بی»

پیشوند بی- نیز مانند نا- پیشوند نفی است ولی همان‌گونه که محتشمی (۱۳۷۰:۱۹۸) بیان می‌کند تفاوت مهمی که بین دو پیشوند نا- و بی- وجود دارد این است که بی- ماهیت کلمه را تغییر می‌دهد یعنی اسم را تبدیل به صفت می‌کند ولی نا- تغییر نمی‌دهد. علاوه بر آن بی-

بر سر اسم‌هایی که با افزودن یاء مصدری به صفت ایجاد شده‌اند نمی‌آید ولی نا- می‌آید و آنها را منفی می‌کند. در واقع ابتدا نا- به صفت اضافه و آن را منفی می‌کند و سپس یاء مصدری آن را تبدیل به اسم می‌کند مانند ناخوشی و ناتوانی. در مورد نوآوری‌های طنزآمیز با پیسوند بی- تنها یک مورد در پیکره جمع‌آوری شده مشاهده شد:

۴- بی‌شخصیت‌شناسی وسواس (قانون، ش ۱۳۶۱، ص ۱۱)

۴-۱-۳- «بِ»

پیشوند ب- همان‌گونه که محتشمی (۱۹۹:۱۳۷۰) بیان می‌کند بر سر ریشه برخی از فعل‌ها می‌آید و به آن معنی فاعلی می‌دهد، مثلاً او شخص بزنی است، یعنی کسی که خوب می‌زند. همان‌گونه که کلباسی (۶۲:۱۳۸۸) بیان می‌کند این پیشوند با اسم و قید ترکیب می‌شود و اسم، صفت یا قید می‌سازد مانند بحق و بموقع. در مورد نوآوری‌های طنزآمیز با پیشوند بی- تنها دو مورد در پیکره مشاهده شد:

۵- طریقه ساخت فیلم‌های بَبَر (قانون، ش ۹۰۲، ص ۱۰)

۶- اصلاً شاید خ-ک از اول فرارِبْگُن خوبی بوده‌است. (صفحه اینستاگرام بی‌قانون، ۱۳۹۸/۷/۲۰)

مشاهده می‌گردد که ساخت‌های فیلم‌های بَبَر و فرارِبْگُن براساس قوانین دستور زبان ایجاد شده‌است اما چون پیش‌تر در زبان نبودند می‌توان آنها را نوآوری در زبان به شمار آورد.

۴-۱-۴- «با»

در مقابل پیشوند بی- که برای منفی کردن استفاده می‌شود پیشوند با- برای مثبت کردن ساختی که پیش‌تر با پیشوند بی- منفی شده به کار می‌رود. در مورد نوآوری‌های طنزآمیز با پیشوند با- تنها دو مورد در پیکره جمع‌آوری شده مشاهده شد:

۷- نگرانی بامورد (تیترا) (در قیاس با بی‌مورد) (قانون، ش ۱۰۹۱، ص ۱۵)

۸- جواب باربط (تیترا) (در قیاس با بی‌ربط) (گل‌آقا، ش ۱۸، ص ۳)

۴-۱-۵- «ن»

نوآوری‌ها با پیشوند ن- مجموعاً یازده مورد است و همان‌گونه که در نمونه‌ها مشاهده خواهد شد بیشترین بسامد مربوط به تعمیم ساختار است. به عبارت دیگر، ساختارهای موجود در زبان مربوط به پیشوند ن- به ساخت‌های جدیدتر تعمیم پیدا کرده‌است. برخی از نوآوری‌های طنزآمیز با پیشوند ن- عبارت‌اند از:



۹- این مدیر شایسته و **ول‌نکن** (قانون، ش ۱۱۹۹، ص ۱۵). در این ساخت نشانه منفی‌ساز در ابتدای بن مضارع آمده‌است.

۱۰- خودی‌ها، **نخودی‌ها** و **بیخودی‌ها** (تیترا) (قانون، ش ۶۹۷، ص ۱۳). در این ساخت نشانه منفی‌ساز به اول اسم اضافه شده و آن را تبدیل به صفت منفی کرده‌است.

۱۱- چه **اشتغال‌نزایی** شدن این مسؤولان (قانون، ش ۷۶۱، ص ۹). در این نمونه نشانه منفی‌ساز به وسط فعل مرکب اضافه شده که این ساخت نیز در دستور زبان موجود نیست و می‌توان آن را نوآوری به شمار آورد.

#### ۴-۱-۶- «پسا»

ظاهراً به قیاس با پیشوند post در مفهوم بعد در زبان انگلیسی ساخته شده‌است. پسا- گونه بومی شده پیشوند post در زبان فارسی است و به این دلیل نمی‌توان آن را در شمار پیشوندهای قرضی در زبان فارسی به شمار آورد. از این پیشوند مجموعاً یازده مورد در پیکره مشاهده شد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱۲- **پساشله** (تیترا) (قانون، ش ۱۰۴۱، ص ۱۶)

۱۳- مراسم **پسابدرقه** پدر (قانون، ش ۱۰۰۳، ص ۱۶)

۱۴- کنون عصر **پساکفاشیان** است. (طنز و کاریکاتور، ش ۲۸۲، خرداد ۱۳۹۵، ص ۲۳)

#### ۴-۱-۷- «پیشا»

در مقابل پیشوند پسا- پیشوند پیشا- قرار دارد و احتمالاً به قیاس با پیشوند پسا در زبان فارسی است. البته می‌توان این احتمال را نیز در نظر گرفت که پیشا- نیز در اصل به قیاس با پیشوند pre در انگلیسی به مفهوم پیش ساخته شده باشد. اما در هر حال ایجاد این پیشوند در زبان فارسی و همچنین ساختن ترکیبات جدیدی که پیش از این در زبان موجود نبوده‌اند را می‌توان نوآوری به شمار آورد. در مورد نوآوری‌های طنزآمیز با پیشوند پیشا- متأسفانه تنها یک مورد در پیکره مشاهده شد:

۱۵- در **پسابرجام** بسیاری از صنعت‌ها هم تعطیل شده ... یعنی در **پیشابرجام** بسیاری از صنعت‌ها تعطیل نشده بود. (قانون، ش ۸۱۱، ص ۱۰)

## ۴-۲- نوآوری در پسوندها

نوآوری‌های طنزآمیز در پسوندها برخلاف پیشوندها بسامد و تنوع بیشتری دارند. در این بخش ابتدا پسوندهای فارسی، سپس پسوندهای عربی و اروپایی که وارد زبان فارسی شده‌اند بررسی می‌شود.

## ۴-۲-۱- «انه»

نوآوری‌های طنزآمیز با پسوند -انه مجموعاً هفت مورد در پیکره مشاهده شد و با توجه به نمونه‌های زیر این پسوند در تمامی موارد در چارچوب دستور زبان کاربرد یافته‌است.

۱۶- از الطاف آفایانه (تیترا) (گل‌آقا، ش ۲۸، ص ۷)

۱۷- گران مرغانه (تیترا) (گل‌آقا، ش ۱، ص ۵۱، نوروز ۱۳۷۸)

## ۴-۲-۲- «ستان»

مجموعاً پنج مورد در پیکره مشاهده شد و در تمام موارد در چارچوب دستور زبان کاربرد یافته‌است.

۱۸- چو پاکستان شده با طالبان یار/ شود نامش از این پس طالبستان (گل‌آقا، ش ۲۶، ص ۹)

۱۹- از کرامات ارز تک‌نرخی است/ این عجایب به شهر هرتستان (گل‌آقا، ش ۸، ص ۳)

۲۰- درخواستستان (تیترا) (گل‌آقا، ش ۱۷)

## ۴-۲-۳- «گی»

پسوندواره -گی در واقع به صورت «-یی» بوده که آن را «-یاء» نسبت می‌نامند و زمانی که قبل از آن‌ها غیرملفوظ بیاید به دلایل آوایی یک «گ» میانجی بین «ه» و «-یی» قرار می‌گیرد تا تلفظ سهل شود. کاربرد یای نسبت به صورت «گی» چنان بسامدی دارد که شاید بتوان آن را پسوندواره‌ای مستقل از پسوند «-یی» به شمار آورد که طی فرایند فراتحلیل در زبان شکل گرفته‌است، به این صورت که «گ» میانجی و یای نسبت هم‌زمان یک پسوند فرض شده‌است اما به این دلیل که «-گی» هنوز کاملاً از «-یی» مستقل نشده آن را پسوندواره می‌نامند. مجموعاً چهارده مورد از این پسوند در پیکره مشاهده شد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۲۱- بادکردگی (گل‌آقا، ش ۲، ص ۱)

۲۲- پیام هم‌پستگی. برادر پسته‌کار! برنج من به فدایت، حال که بر تو آن رفته که بر من، بیا

احساس خود را قسمت کنیم. یک برادر شالیکار. (گل‌آقا، ش ۳۰، ص ۸)

۲۳- از قلم افتادگی (تیترا) (گل‌آقا، ش ۴۱، ص ۵)

۲۴- تراکنشیدگی (تیترا) (قانون، ش ۱۱۶۵، ص ۱۵)

در تمام نمونه‌ها شاهد فرایند «اسم‌سازی» به کمک پسوندواره «-گی» هستیم. به عبارت دیگر، این پسوندواره موجب شده بتوان فعل مرکب یا عبارت فعلی را به اسم تبدیل کرد. این ویژگی همان‌گونه که صادقی (۱۳۷۲) بیان می‌کند در پسوند «-یی» نیز وجود دارد که با آن می‌توان از فعل‌های مرکب و نیز از گروه فعلی اسم‌های عمل مرکب ساخت. بنابراین اگرچه صورت آوایی «-گی» و «-یی» متفاوت شده ولی هنوز رفتار دستوری آنها تغییر نکرده‌است.

#### ۴-۲-۴- «نما»

«نما» پسوندواره است زیرا در اصل بن مضارع از مصدر نمایاندن است و هنوز در این مفهوم کاربرد دارد، پس نمی‌توان آن را پسوند دانست. نوآوری‌های طنزآمیز با این پسوندواره دوازده مورد است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۲۵- یک عده انگشت‌شمار از مردم‌نماها مقابل تصمیماتی که مسؤولان برای زندگیشون میگیرن

مقاومت نشون میدن. (قانون ش ۱۲۰۴، ص ۱۶)

۲۶- حمله داعشی‌نماها به مجتمع کورش برای تبلیغ فیلم به وقت شام (قانون، ش ۱۱۹۸، ص ۱۵)

۲۷- اقدامات ضدامنیتی مرتب‌نماها (قانون، ش ۱۱۶۸، ص ۱۵)

#### ۴-۳- ساخت‌های تنوین‌دار

نوآوری در ساخت‌های تنوین‌دار زمانی است که تنوین به یک کلمه فارسی اضافه شود. بسیاری از ادیبان اضافه شدن تنوین به کلمه‌های فارسی را غیرمجاز می‌دانند اما برخی مانند سیاوشی (meidan.com) معتقدند که تنوین در فارسی از عربی‌بودگی خود رها شده و مسیر دیگری را طی کرده‌است. واژه‌های تنوین‌دار در فارسی معاصر نقش‌های گفتمانی تازه‌ای پیدا کرده و با کاربرد آن در عربی کاملاً متمایزند. تنوین در فارسی موضوع جالبی است زیرا از یک سو گفتمان غالب این است که فارسی را فارسی‌تر و کمتر عربی کنیم اما از سوی دیگر فراوانی واژگان تنوین‌دار در فارسی نه تنها کمتر نشده بلکه این پسوند حتی زایاتر نیز شده‌است.

سیاوشی معتقد است جایگزین کردن کلمه‌های تنوین‌دار با معادل آن آسان نیست. تنوین نظامی مفهوم‌ساز به‌خصوص در گونه گفتاری فارسی ایجاد کرده‌است و موجب شده قیده‌های جدیدی با تنوین ساخته شود که پیشینه‌ای در زبان نداشته‌اند و علاوه بر این خلأهای مفهومی بسیاری در گونه گفتاری فارسی با تنوین در حال پر شدن هستند. ممکن است گونه گفتاری برای برخی از ادیبان و نویسندگان بی‌اهمیت باشد اما باید توجه داشت که گونه گفتاری ممکن است در طول سال‌ها به درجات مختلف به گونه‌های نوشتاری و رسمی نفوذ کند.

اما به‌طور کلی استفاده از تنوین در کلمه‌های فارسی را به این دلیل که خلاف قوانین دستور زبان فارسی است می‌توان نوآوری به شمار آورد. نوآوری‌های طنزآمیز با تنوین تنها دو مورد در پیکره مشاهده شد:

- ۲۸- خواهشمند است لطفاً ما را یواش یواش **طناباً** خفه فرمایید. (یک فنجان چای داغ، ص ۱۲۳)  
 ۲۹- ما قویاً معتقدیم جناح‌های سیاسی لازم است **فوتبالاً** با هم مسابقه بدهند. (بی‌ستون، ص ۷۷)

#### ۴-۴- نوآوری در پسوندهای اروپایی

پسوندهای اروپایی از زبان انگلیسی و فرانسه وارد زبان فارسی شده و با اضافه شدن به کلمه‌های فارسی ساخت‌های جدید ایجاد کرده‌است: «-زیشن» انگلیسی و معادل آن «-سیون» در فرانسه و همچنین پسوند «-لوژی»، «-ییزه»، «-یک» و «-ایسم» است.

##### ۴-۴-۱- «زیشن»

می‌توان اضافه شدن این پسوند را به کلمه فارسی نوآوری به شمار آورد که یک مورد در پیکره دیده شد:

- ۳۰- **تف مالیزیشن** (تیترا) (قانون، ش ۸۵۴، ص ۱۰)

این پسوند طی فرایند فراتحلیل در زبان فارسی ایجاد شده‌است، زیرا این پسوند در واقع تشکیل شده از «-یز» و «-شِن» است. برای نمونه در انگلیسی nationalization تشکیل شده از ستاک national با پسوند -iz- و سپس پسوند -tion- است، پس «-زیشن» از دو پسوند تشکیل شده‌است ولی در زبان فارسی گویشور آن را یک پسوند در نظر گرفته و با آن یک ساخت جدید ایجاد کرده‌است.

##### ۴-۴-۲- «سیون»

در مفهوم به وقوع پیوستن نوعی فرایند به کار می‌رود. البته می‌توان این پسوند را همان پسوند -شِن در انگلیسی به شمار آورد که در فرانسه تبدیل به -سیون شده‌است. در مورد این پسوند تنها دو مورد در پیکره مشاهده شد که یک نمونه آن عبارت است از:

- ۳۱- **لاکچریزاسیون** (تیترا) (قانون، ش ۱۳۵۰، ص ۱۴)

##### ۴-۴-۳- «لوژی»

معمولاً در مفهوم دانش تخصصی در مورد یک مفهوم عینی یا انتزاعی به کار می‌رود. در فارسی معادل این پسوند «-شناسی» است؛ بیولوژی: زیست‌شناسی و اکولوژی: بوم‌شناسی. نوآوری‌های طنزآمیز با این پسوند هشت مورد است:

۳۲- داداشولوژی (تیترا) (قانون، ش ۱۱۶۷، ص ۱۱)

۳۳- ولولوژی (قانون، ش ۱۲۱۱، ص ۱۴)

۳۴- بایدولوژی (تیترا) (قانون، ش ۱۱۳۸، ص ۱۶)

۳۵- پلنگولوژی (تیترا) (قانون، ش ۱۳۲۹، ص ۱۴). (پلنگ در اصطلاح محاوره به افرادی اطلاق می‌شود که دارای آرایش‌های بسیار خاص و پوشش متفاوت نسبت به سایر افراد جامعه هستند).

در همه نمونه‌های بالا می‌توان پسوند -لوژی را با «شناسی» معادل قرار داد؛ داداشولوژی: داداش‌شناسی. اما چرا مبدع داداشولوژی استفاده از «-لوژی» را بر «-شناسی» ترجیح داده‌است؟ شاید دلیل پرستیژ زبانی است. استفاده از صورت‌های دارای پرستیژ بیشتر می‌تواند تأثیر بر مخاطب بگذارد. بنابراین عامل تأثیرگذاری نقش مهمی در انتخاب این پسوند اروپایی به جای معادل فارسی دارد. نکته دیگر اینکه در برخی بافت‌ها ممکن است استفاده طنزآمیز از وندهای خارجی نشانه اعتراض به فرنگی‌مآبی باشد که در گفتار و نوشتار با تفاخر از عناصر بیگانه استفاده می‌کنند. همان‌گونه که طنز ابزاری برای بیان تلطیف‌شده اعتراض و ناراضی‌تی در مسائل مختلف اجتماعی است گاه استفاده افراطی و طنزگونه از عناصر بیگانه اعتراض به ورود عناصر بیگانه به زبان فارسی است.

#### ۴-۴-۴- «بیزه»

درباره این پسوند دو دیدگاه وجود دارد. فرشیدورد (۵۱۴:۱۳۸۶) معتقد است که این پسوند کاملاً فارسی است؛ پسوند غیرفعال تصغیر و ا تصاف است و صورت دیگری است از «چه» و «چیچه» و «یزک»، مانند پاکیزه و دوشیزه. دوشیزه از مصدر دوشیدن است که با پسوند «بیزه» ترکیب شده و به معنی دخترچیچه‌ای است که شیر می‌دوشد (حاشیه برهان قاطع). صمصامی (۲۶۱:۱۳۴۶) این پسوند را در کلمات پاکیزه و دوشیزه در معنی تصغیر می‌داند و معتقد است گاهی در مورد تأنیث، تصغیر به کار می‌رفته و در کتب قدیم بارها لفظ پاکیزه را که مصغر پاک است و آن را در مورد زنان پاک و مؤمن به کار می‌برده‌اند ولی [دیگر] در آن معنی تصغیر یا تأنیث باقی نمانده و موصوف این صفت گاهی مرد است.

از داده‌های جمع‌آوری شده برمی‌آید که ظاهراً این پسوند شبیه یکی از پسوندهای زبان فرانسه است که با کلمه‌های فرانسوی وارد زبان فارسی شده‌است. سلیمی (۳۴:۱۳۹۱) معتقد است «گروهی از صفت‌های مفعولی در زبان فرانسه صرف نظر از برخی ویژگی‌های جزئی آوایی به خاطر شباهت ساختاری و معنایی تأمل برانگیز با صفت‌های مفعولی در زبان فارسی، عیناً وارد زبان فارسی شده و با همان تلفظ پایانی /e/ و همان مفهوم مفعولی به کار رفته و

می‌روند. از طرف دیگر، برخی از واژه‌های فرانسوی که صفت مفعولی نیستند ولی مختوم به /e/ هستند نیز به سبب شباهت ساختاری با واژه‌های مختوم به /e/ در فارسی، وارد مرزهای زبانی فارسی گشته و بسیار رایج شده‌اند، مانند صفت‌های مفعولی ارگانیزه، پاستوریزه، دموکراتیزه، کانالیزه، مکانیزه، هارمونیزه، هموژنیزه و غیره». بنابراین می‌توان دریافت که این پسوند با پسوند مشابهی که در فارسی در کلمه‌هایی مانند پاکیزه و دوشیزه وجود دارد متفاوت است. به عقیده نگارنده موضوع شباهت این دو پسوند در فارسی و فرانسه جای پژوهش بیشتر دارد. نوآوری‌های طنزآمیز با این پسوند پنج مورد است:

۳۶- یک استاد دانشگاه: دانشگاه‌ها در حال مک‌دونالدیزه شدن هستند. باید دانشگاه‌ها را

اکبرجوجیزه کنیم. (قانون، ش ۶۹۱، ص ۱۳)

۳۷- ایرانیزه شدن آیین‌های وارداتی نوروز (فردا نیوز ت ۱۳۹۵/۱۲/۲۱)

۳۸- انتقال تجربه برای سنگالیزه نشدن (جهان نیوز ت ۱۳۹۱/۳/۲۹)

۳۹- ما قویاً معتقدیم لازم است چالش مدرنیته و بخش ترادیشنال جامعه از طریق فوتبالیزه شدن سیویلایز شود. (بی ستون، ص ۷۷)

نوآوری جالب در این پسوند ساختن صفت مفعولی از اسم‌های فارسی مطابق دستور زبان فرانسه است که با الحاق همکرد شدن و کردن به فعل مرکب تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر اسم‌هایی مانند اکبرجوجه، ایران و سنگال ابتدا با ملحق شدن پسوند «-ییزه» مطابق با همان الگوی دستوری که در فرانسه وجود دارد تبدیل به صفت مفعولی گشته و با اضافه شدن همکرد شدن و کردن به فعل مرکب تبدیل شده‌اند. این الگوی فعل‌سازی ظاهراً شبیه فرایند ساخت فعل‌های جعلی است که در آن از اسم، فعل ساده ساخته می‌شود. ولی نوآوری جالب در این پسوند این است که با اضافه شدن این پسوند به یک اسم، از آن فعل مرکب و نه فعل ساده، ساخته شده‌است که عبارت است از اکبرجوجیزه کردن، سنگالیزه کردن و ایرانیزه کردن. علاوه بر این ایرانیزه و سنگالیزه پس از مدت کوتاهی وجهه طنزآمیزی خودشان را از دست داده و همان‌گونه که در مطبوعات روز می‌توان دید در حال حاضر به وفور در متون رسمی و جدی کاربرد یافته‌است که دلیل آن را شاید بتوان نیاز زبانی برای بیان مفاهیمی این گونه در قالب فعل در زبان فارسی دانست.

۴-۴-۵- «بیک»

درباره این پسوند نیز دو دیدگاه وجود دارد. از نظر فرشی‌دورد (۱۳۸۶: ۵۱۵) «این پسوند فسرده و متحجر است که ریشه (یاء) نسبت است که در بعضی از صفت‌ها باقی مانده مانند نزدیک و تاریک

ولی اخیراً برخی از اهل ذوق برخلاف قاعده با آن کلمات عجیبی ساخته‌اند مانند جمال‌شناسیک که معادل زیباشناسی است». برخلاف عقیده فرشیدورد این پسوند مانند «-ییزه» ظاهراً شبیه یکی از پسوندهای موجود در فرانسه است که با اصطلاحات علوم و فنون مانند بیولوژیک، استراتژیک و غیره وارد فارسی شده‌است. بنابراین با پسوند مشابهی که در زبان فارسی در کلمه‌هایی مانند تاریخ و نزدیک وجود دارد متفاوت است که البته این موضوع نیز نیازمند پژوهش مستقلی است. نوآوری‌های طنزآمیز با این پسوند هشت مورد است:

۴۰- به یک سفر دیپلماتیک- تفریحاتیک کاری اروپا رفته‌اند. (قانون، ش ۱۶ ص ۳۰۱۰)

تفریحاتیک در قیاس با دیپلماتیک ایجاد شده‌است و اگر پسوند -یک را یک عنصر اروپایی به شمار آوریم می‌توان اضافه شدن آن به کلمه‌های غیراروپایی را نوآوری به شمار آورد.

#### ۴-۴-۶- «ایسم»

پسوندی اروپایی است و معمولاً در مفهوم مکتب یا مسلک تازه‌بنیادی به‌کار می‌رود که انشعابی از مسلکی دیگر است و در مواردی ممکن است کاملاً متناقض با مکتب پیش از خود باشد. نوآوری‌های طنزآمیز با این پسوند ده مورد است:

۴۱- مکتب برانکوویسم (تیترا) (چلچراغ، ش ۷۴۰، ص ۶۳)

۴۲- شلغمیسم (تیترا) (گل‌آقا، ش ۹، ص ۱۲)

۴۳- مکتب قاتی پاتیسم (تیترا) (گل‌آقا، ش ۱، ص ۳۲)

۴۴- رواج مکتب جرواجریسم در سیاست داخلی (قانون، ش ۹۳۸، ص ۱۱)

۴۵- اصول و مبانی مکتب بندالیسم (آویزان شدن به دیگران) (قانون، ش ۷۲۹، ص ۱۳)

برخی زبان‌شناسان ایرانی مانند کشانی (۸۵:۱۳۷۱) پسوندهایی از قبیل «-لوژی» و «-یسم» را با عنوان پسوندواره‌های فعلی می‌دانند. به این موضوع در دستور زبان سنتی به‌صورت مجزا پرداخته نشده‌است و ظاهراً در سال‌های اخیر از زمان مطرح شدن اهمیت زبان فارسی به‌عنوان زبان علم بدان توجه شده و برایشان معادل‌یابی شده و وارد دستور زبان شده‌اند. اهمیت پسوندواره‌های فعلی در فارسی به گفته کشانی «در ساختن واژگان تخصصی متجلی می‌شود و طی آن این امکان به زبان فارسی داده می‌شود تا بتواند کلمات معمولی را به سوی واژگان تخصصی و علمی هدایت کند و تحول تازه‌ای در زبان فارسی علمی به وجود آورد».



#### ۴-۵- نوآوری در افعال جعلی

افعال جعلی معمولاً و به‌طور سنتی در طبقه‌بندی افعال فارسی قرار نمی‌گیرند زیرا در دستور زبان فارسی فعل در اکثر موارد از بن فعل ساخته می‌شود ولی این افعال چون بن فعلی ندارند و در اکثر موارد از اسم یا صفت ساخته شده‌اند آنها را جعلی می‌نامند.

خانلری (۱۳۷۲:۴۴) معتقد است فعل‌های جعلی فعل‌هایی هستند که بن فعلی ندارند. به عبارت دیگر بن در این فعل‌ها کلمه‌ای فارسی یا غیرفارسی است که از آن مصدر و فعل ساخته شده‌است، مانند تلگرافیدن، رقصیدن، قبولاندن، کوچیدن، بلعیدن و ... خانلری یکی از نشانه‌های این گونه فعل‌ها را این می‌داند که «اسم مصدر شینی از آنها ساخته نمی‌شود یعنی در فارسی کلمات ترشش، لنگش، جنگش، دزدش، گندش و مانند آنها را نداریم. اما در مواردی که فعل نوساخته رواج یافته، از روی قیاس این صیغه نیز ساخته شده و به‌کار رفته‌است که غالباً استعمال جدید است مانند چرخش، انجامش، غلتش».

اما دلیل پیدایش افعال جعلی در زبان فارسی چه بوده‌است؟ اولین دلیلی که به ذهن می‌رسد نیاز زبانی به ساختن فعل از اسم است، به‌ویژه مواقعی که برای مفهوم مورد نظر بن فعلی در زبان وجود ندارد، مثلاً پدیده‌های جدیدی که وارد زبان فارسی می‌شوند؛ بعد از ورود دستگاه تلگراف به ایران برای بیان مفهوم ارسال تلگراف هیچ بن فعلی در فارسی وجود نداشت و برای برطرف کردن این نیاز زبانی دست به نوآوری زدند و از اسم تلگراف مصدر تلگرافیدن را ساختند.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان اساساً افعال جعلی را به‌صورت افعال مرکب به‌کار برد تا این افعال از عنوان جعلی بودن رها شده و وارد مجموعه افعال رسمی زبان فارسی بشوند؟ برای یافتن پاسخ این سؤال ابتدا بهتر است تعدادی از افعال قیاسی را در این مورد بیازماییم؛ تلگرافیدن را می‌توان به‌صورت تلگراف کردن نیز به‌کار برد. در نتیجه پاسخ سؤال مثبت است. اما اگر این را بپذیریم می‌توان در مورد افعال مشابه نیز از صورت قیاسی



استفاده کرد، مثلاً ایمیل کردن را به جای ایمیلیدن، فکس کردن به جای فکسیدن یا تلفن کردن به جای تلفنیدن. به عبارت دیگر اگر این امکان وجود داشته باشد که بتوان یک فعل قیاسی را به صورت مرکب به کار برد در مقابل این امکان نیز وجود خواهد داشت که بتوان برخی از فعل‌های مرکب را نیز به صورت قیاسی به کار برد. بنابراین از نظر معنایی، به کار بردن تعدادی از افعال قیاسی به صورت فعل مرکب امکان‌پذیر است بدون اینکه در مفهوم آن ابهامی ایجاد شود. ولی چرا گویشور در برخی موارد صورت قیاسی را به صورت مرکب ترجیح می‌دهد؟ اولین پاسخ که به ذهن می‌رسد رعایت اصل اقتصاد زبانی است. بر همین اساس چون کاربرد تلگرافیدن به جای تلگراف کردن سهولت بیشتری برای گویشور دارد دومین دلیل ایجاد افعال قیاسی رعایت اصل اقتصاد زبانی است.

برخی از داده‌های آن گروه از افعال جعلی که می‌توان آنها را به صورت مرکب به کار برد عبارت‌اند از:

۴۶- هوا را از من بگیر تحلیلیدن را نه. (قانون، ش ۹۵۳)

۴۷- دومینوها پای دیوار برای روشن کردن سیگارهایشان ایستاده می‌آتشیدند. (صفحهٔ اینستاگرام بی‌قانون، ۱۳۹۸/۷/۱۱)

صادقی (۲۴۵:۱۳۷۲) معتقد است تنها افعال ساده نیستند که از نظر اقتصادی در زبان به صرفه‌ترند بلکه افعال مرکب نیز می‌توانند موجب صرفه‌جویی در زبان شوند. زیرا در زبان دو نوع صرفه‌جویی وجود دارد: صرفه‌جویی در حافظه یا به تعبیر فنی‌تر در محور عمودی زبان و صرفه‌جویی در زنجیرهٔ گفتار یا محور افقی. به عقیدهٔ صادقی زبان‌هایی که دارای افعال بسیط بیشتری هستند در محور افقی (زنجیر گفتار) صرفه‌جویی بیشتری می‌کنند زیرا افعال بسیط کوتاه‌تر از افعال ترکیبی هستند. اما زبان‌هایی که از افعال ترکیبی بیشتر استفاده می‌کنند در محور عمودی صرفه‌جویی می‌کنند. یعنی کلمات کمتری را به حافظه می‌سپارند ولی در عوض برای بیان مفاهیم تازه همان کلمات موجود در حافظه را با هم ترکیب می‌کنند. بر همین اساس او معتقد است در این زبان‌ها نیروی تلفظی بیشتری به کار می‌رود.

براساس آنچه بیان شد نمی‌توان معیار اقتصاد زبانی را برای توجیه پیدایش افعال قیاسی در زبان کافی دانست. علاوه بر این تنها برخی از افعال قیاسی هستند که می‌توان آنها را به صورت فعل مرکب به کار برد و مانند نمونهٔ زیر برخی از فعل‌های قیاسی اگر به صورت فعل مرکب به کار روند در مفهوم آنها ابهام و تیرگی ایجاد می‌شود یا به‌طور کلی از مفهوم تهی می‌گردند.

۴۸- با شما هم شرط می‌بندم آگه زیر نظر پزشکی نبودید الان نه تنها زنده بودید که داشتید می‌ببریدید. (یعنی مثل ببر زندگی می‌کردید). (صفحهٔ اینستاگرام پوریا عالمی، ۱۳۹۸/۵/۲۸)

#### ۴-۶- نوآوری در ساخت‌های «ال-دار»

در این ساخت‌ها «ال-» به کلمه‌ها یا عبارت‌های فارسی اضافه شده‌است. این ساخت‌ها ظاهراً عربی هستند ولی در واقع هیچ مفهومی در عربی ندارند و مفهوم آنها صرفاً در فارسی درک می‌شود. علاوه بر این اضافه کردن «ال-» به کلمه‌های فارسی کاملاً مغایر با دستور زبان فارسی است بنابراین می‌توان آن را نوآوری در زبان فارسی به شمار آورد. برخی از نوآوری‌های طنزآمیز در پیکره:

۴۹- ممنوع الحركت در ضلع شرقی خیابون (قانون، ش ۱۰۵۱، ص ۱۶)

۵۰- ممنوع النمای سنگ واسه خونه (قانون، ش ۱۰۵۱، ص ۱۶)

۵۱- ممنوع الوردیجات (تیترا) (قانون، ش ۱۲۳۲، ص ۱۵)

۵۲- ممنوع الخورده شدن پسته خندان (قانون، ش ۴۷۳، ص ۱۳)

در همین زمینه علی هدیه‌لو شعری با عنوان ممنوع القطر در روزنامهٔ قانون (ش ۱۰۳۹، ص ۱۶) منتشر کرده‌است که ذکر چند بیت آن خالی از لطف نیست!:

۵۳- گشته‌ام این بنده از این هفته ممنوع الخبر  
 خواستم رحل سفر درپیش گیرم وز قضا  
 دوستداری گفت هستم بنده ممنوع السفر  
 آه، ممنوع الاماراتیم و ممنوع الکویت  
 وای، ممنوع الایالاتیم و ممنوع القطر

می‌بینیم که نوآوری‌های دستوری حاصل از قیاس با ساخت‌های زبان عربی از پربسامدترین داده‌ها در پیکره است، اما چرا ساختارهای عربی تا این حد در فارسی بسامد دارند؟ شاید دلیل تماس زبانی و بومی‌شدگی بسیاری از ساختارهای عربی در فارسی باشد. به عبارت دیگر ساختارهای زبان عربی به دلیل حضور طولانی در زبان فارسی و همچنین داشتن بسامد بالا در کاربرد، برای فارسی‌زبانان دارای قدرت حافظه گشته‌است.

نکتهٔ دیگر در ساخت‌هایی که به قیاس با ساخت‌های زبان عربی در زبان فارسی ایجاد شده‌اند این است که این ساخت‌ها در بسیاری موارد دارای واژگانی فارسی هستند که در ساختارهای دستوری عربی قرار گرفته‌اند. بر این اساس همان‌گونه که محمودی بختیاری (۱۳۹۴:۲۶۹) اشاره کرده شاید بتوان چنین ساختارهایی را نوعی زبان پیچین به شمار آورد. البته این فرض که این ساختارها نه عربی است و نه فارسی موضوع مهمی است که باید در

حوزهٔ جامعه‌شناسی زبان بررسی شود. اما اگر فرض پیچین بودن این ساختارها را در فارسی بپذیریم می‌توان تصور کرد که شاید به دلیل عدم تناسب بین واژه‌ها و ساختار دستوری‌ای که این واژه‌ها در آن به کار رفته طنزآمیز به نظر می‌آیند. شاید بتوان این را با نظریه عدم تجانس<sup>۱</sup>، تجانس<sup>۱</sup>، از فرضیه‌های اصلی در ایجاد طنز مطابقت داد که در آن طنز حاصل تجربهٔ ناهماهنگی‌ای محسوس میان دانسته‌ها و توقعات ما به شمار می‌رود. به عبارت دیگر چون گویشور فارسی زبان توقع دیدن واژه‌های فارسی در قالب دستور زبان عربی را ندارد در مواجهه با ساختارهایی چنین به خنده می‌افتد. این موضوع را صفایی و درویشعلی پورآستانه (۱۳۹۱) نقیضه نامیده‌اند. آنها معتقدند در شوخ‌طبعی‌های جبهه بیش از هر امری با نقیضه سبکی و لفظی روبه‌رو هستیم، مثل ترکیب کردن زبان فارسی با عربی برای نشان دادن مهارت تکلم خود در زبان عربی که زبان دشمن نیز بود و تحریف قسمت دوم جملات کلیشه‌ای و شعارها و تقلیدها از سبک کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها با حفظ فرم محتوایی آنها مانند نمونه‌های زیر:

۵۴- کلو و شربوا و لائق نقوا.

۵۵- اللهم الرزقنا ترکشاً ریزاً بدستنا یا پائنا و لا جای حساسنا برحمتک یا ارحم الراحمین.

صفایی و درویشعلی پورآستانه (۱۳۹۱) اشاره کرده‌اند که فهم نقیضه تا حد زیادی به آشنایی مخاطب با اثر اصلی بستگی دارد. در نتیجه به دلیل آشنایی مخاطب با ساختارهایی که با واژگان فارسی در قالب دستور زبان عربی ایجاد شده‌اند مخاطب هم می‌تواند مفهوم آنها را درک کند و هم بی‌تناسبی واژگان و ساختار دستوری برای او موجب خنده می‌گردد. شاید به همین سبب است که امروزه ما شاهد کاربرد ساختارهای آمیخته در مطبوعات طنز به صورت گسترده و فراگیر هستیم.

به نظر می‌آید موضوع طنزآمیز بودن ساختارهای «ال» دار در زبان فارسی را براساس نظریه انگاره معنایی طنز<sup>۲</sup> نیز می‌توان توجیه کرد. این نظریه به نوشتهٔ شریفی و کرامتی (۱۳۸۹) اولین نظریهٔ کامل زبان‌شناسی در باب طنز است که در سال ۱۹۸۵ ویکتور راسکین<sup>۳</sup> ارائه کرد. نظریه راسکین بر این شرط استوار است که یک متن می‌تواند طنزآمیز شناخته شود در صورتی که دارای این دو شرط باشد: ۱- تمام متن یا بخشی از آن با دو انگاره ذهنی ما مطابقت داشته باشد و ۲- این دو انگاره در متن با یکدیگر متفاوت یا متناقض باشند. بر همین

1. Incongruity Theory  
2. Semantic Script Theory of Humor  
3. Raskin, V

اساس اگر زبان فارسی و زبان عربی را دو انگاره مستقل در ذهن گویشوران فارسی زبان در نظر بگیریم که از نظر ماهیت دو زبان جداگانه محسوب می‌شوند ترکیب شدن ساختارهای دستوری زبان عربی با واژگان فارسی موجب بروز تناقض بین این دو انگاره می‌گردد که طنزآمیز شدن ساختارهای مذکور را در پی دارد.

تطابق بین دو انگاره در متن و تقابل آنها که از منظر راسکین از ملزومات طنز متنی هستند با نظریهٔ ارتباط<sup>۱</sup> از اسپربر و ویلسون<sup>۲</sup> نیز تطابق دارد. براساس این نظریه طنز بر مبنای تخطی از اصول همکاری و به بیان دقیق‌تر تخطی از اصل ارتباط صورت می‌گیرد (شریفی و کرامتی: ۱۳۸۹).

اصول همکاری از منظر گرایس<sup>۳</sup> (۱۹۷۵: ۴۸) چهار قاعده کلی دارد که گویند با رعایت آن در کلام یک ارتباط ایده‌آل شکل می‌دهد که در آن شنونده می‌تواند به سمت تفسیر مورد نظر گوینده از کلام هدایت شود. این چهار قاعده کلی عبارت‌اند از کمیت<sup>۴</sup>، کیفیت<sup>۵</sup>، ارتباط<sup>۶</sup> و شیوه<sup>۷</sup>. تخطی از اصول همکاری از رویکردهای مهم در تحقیقات طنز است که با عنوان اصل عدم همکاری<sup>۸</sup> در ۱۹۹۱ آتاردو مطرح کرد و در میان انواع تخطی از اصول چهارگانه همکاری ظاهراً تخطی از اصل ارتباط مهم‌تر است (شریفی و کرامتی: ۱۳۸۹). بر این اساس بی‌ارتباط بودن کاربرد واژه‌های فارسی در ساختار دستوری عربی موجب تخطی از اصل ارتباط در اصول چهارگانه همکاری می‌گردد که طنزآمیز شدن ساختارهای «ال» دار در فارسی را در پی دارد.

#### ۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش کوشش شد تا با استفاده از رویکرد دستور کاربردبنیاد نوآوری‌های دستوری طنزآمیز در مطبوعات معاصر بررسی شود. منظور از نوآوری لزوماً خلق ساختارها یا وندهای کاملاً جدید نیست و بیشتر گسترش دامنه کاربرد عناصر مد نظر بوده است. در ضمن وقتی ساختی را طنزآمیز می‌نامیم به این معنی نیست که وند به کار رفته در آن ساخت لزوماً خود طنزآمیز باشد بلکه ساخت پدیدآمده چون نوعی هنجارگریزی دارد طنزآمیز است. در این

1. Relavance Theory
2. Sperber,D & Wilson,D
3. Grice,P
4. Maxim of Quantity
5. Maxim of Quality
6. Maxim of Relation
7. Maxim of Manner
8. Non-Cooperative Principle

پژوهش مشخص گردید که نوآوری در ساخت‌های اشتقاقی در بیشتر موارد به قیاس با ساخت‌های موجود در زبان فارسی ایجاد شده‌اند که این قیاس در برخی موارد نیز با وام‌گیری از وندهای قرصی عربی و اروپایی همراه بوده‌است. در این میان به نظر می‌رسد نوآوری‌هایی که تنها به دلیل ایجاد طنز ابداع شده‌اند حتی اگر بسامد بالایی داشته باشند وارد زبان معیار نمی‌گردند. علاوه بر این در مورد افعال جعلی مشخص شد که این افعال در برخی موارد به دلیل رعایت اصل اقتصاد زبانی ایجاد شده‌اند. در این حالت گویشوران تمایل به استفاده از صورت ساده فعل به جای صورت مرکب آن دارند. اما در بیشتر موارد افعال جعلی به دلیل فقدان بن فعلی برای بیان برخی از مفاهیم یا فرایندها ایجاد شده‌است. در نوآوری‌های طنزآمیز در ساخت‌های «ال» دار نیز مشخص گردید که ظاهراً به دلیل تماس طولانی فارسی-زبانان با زبان عربی برخی از ساخت‌های زبان عربی وارد زبان فارسی گشته‌است. اما در این میان کاربرد واژگان فارسی در ساخت‌های دستوری زبان عربی براساس نظریه عدم تجانس به دلیل طنزآمیز بودن به‌عنوان ابزاری برای ایجاد طنز به وفور استفاده شده‌است. در واقع، در این نوشتار نشان داده شد که ساخت‌های طنزآمیز دستوری در بسیاری از موارد نشان‌دهنده نیاز زبان فارسی به ساخت‌های مذکور است. این امر سخن مرسوم را به ذهن متبادر می‌کند که هر شوخی ممکن است بیانگر یک واقعیت جدی باشد.

#### منابع

- احمدی گیوی، ح. و ح. انوری. ۱۳۸۴. دستور زبان فارسی، تهران: فاطمی.  
 باطنی، م. ۱۳۶۸. «فارسی زبانی عقیم»، آدینه. (۳۳): ۶۶-۷۱.  
 باطنی، م. ۱۳۷۲. «استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی». مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، زیر نظر ع. کافی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۲۲۱-۲۳۵.  
 جمالی، ف. ۱۳۹۲. «بررسی نوآوری‌های دستوری در متون مطبوعات ورزشی فارسی معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.  
 حق‌شناس، ع. ۱۳۷۵. «اشتقاق فعل و تصریف آن در فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۳۴ (۲۰۱): ۴۵-۶۶.  
 سلیمی‌نژاد، م. ۱۳۹۱. بومی‌سازی وام‌واژه‌های فرانسه در زبان فارسی براساس نظریه بهینگی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.  
 سیاوشی، س. ۱۳۹۵. آشتی با تنوین، تناقض تاریخی و ملاحظات شناختی. وبگاه میدان

- شریفی، ش. و س. کرامتی یزدی. ۱۳۸۸. «بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور براساس نظریه عمومی طنز کلامی»، *زبان و ادب فارسی*، (۴۲): ۱۰۹-۱۳۱.
- شفیعی کدکنی، م. ۱۳۶۸. *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- شقاقی، و. ۱۳۸۰. «قیاس و واژه‌سازی»، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. مرکز نشر دانشگاهی. ۲۸۳-۲۹۵.
- صادقی، ع. ۱۳۵۳. «درباره ترکیبات ال دار عربی در فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۲۱ (۳ و ۲): ۱۲۹-۱۳۶.
- صادقی، ع. ۱۳۷۲. «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۲۳۶-۲۴۶.
- صراحی، م. و ز. غیوری. ۱۳۹۶. «نقش نقض اصول همکاری گرایس در ساخت کاریکلماتور». *ادبیات پارسی معاصر*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۲)۷: ۳۵-۵۰.
- صفایی، ع. و ل. درویشعلی پورآستانه. ۱۳۹۱. «بررسی شیوه‌های پرداخت طنز و مطایبه در کتاب فرهنگ جبهه (شوخی طبیعی‌ها)». *ادبیات پایداری*. (۷)۴: ۱۲۱-۱۳۷.
- صمصامی، م. ۱۳۴۶. *پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی*. تهران: مشعل.
- طباطبایی، ع. ۱۳۸۱. *فعل مرکب و بسیط در زبان فارسی*. تهران: نشر دانش.
- طباطبایی، ع. ۱۳۷۶. *فعل بسیط و واژه‌سازی*. تهران: نشر دانشگاهی.
- فرشیدورد، خ. ۱۳۸۶. *فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی*. تهران: زوار.
- فروغی، م. ۱۳۱۵. *پیام من به فرهنگستان*. تهران: پیام.
- کشانی، خ. ۱۳۷۱. *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلباسی، ا. ۱۳۸۸. *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلفام، ا. و ا. ملکی مقدم و ف. ابراهیم‌پور نیک. ۱۳۹۷. «محدودیت‌های ناظر بر زبانی فعل‌های برگرفته از اسم و صفت در فارسی معیار». *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۶ (۲۰): ۱۰۹-۱۳۲.
- محتشمی، ب. ۱۳۷۰. *دستور کامل زبان فارسی*. تهران: اشراقی.
- محمودی بختیاری، ب. ۱۳۹۴. *پیچیدگی در خدمت ایجاد طنز کلامی*. جشن‌نامه کورش صفوی. تهران: سیاهرود.
- خانلری، پ. ۱۳۷۲. *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: توس.
- نغزگوی کهن، م. و ش. داوری. ۱۳۹۱. «شبه‌وندشدگی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، (۱)۲: ۶۵-۸۵.
- نغزگوی کهن، م. ۱۳۹۳. *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی*. تهران: فاطمی.

- Anderson, S. R. 1991. *Syntactically arbitrary inflectional morphology*. Yearbook of Morphology .4. PP.5-19.
- Attardo, S. 2008. *Semantics and Pragmatics of Humor*. Blackwell: Language and Linguistics Compass.
- Bauer, L. 1986. *Notes on New Zealand English Phonetics and Phonology*. English world-wide, 7(2). PP. 225-258.
- Burridge, K. and Bergs, A. 2017. *Understanding Language Change*. London and New York: Routledge.
- Bybee, J. 2005. *From Usage to Grammar: The Mind's Response to Repetition*. Linguistics. 82. PP. 711-733.
- Bybee, Joan. 2010. *Language, usage and cognition*. Cambridge University Press.
- Bybee, Joan. 2015. *Language change*. Cambridge University Press.
- Chomsky, N. 1965. *Aspects of the Theory of Syntax*. Cambridge, Massachusetts : MIT Press.
- De Saussure, F. 1916. *Course in general linguistics*. Eds. Bally, Ch & Sechehaye, A. New York: The Philosophical Society.
- Givón, T. 2001. *Syntax: A Functional Typological Introduction*. Vol II. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins.
- Grice, p. 1975. *Personal Identity*. Berkely: University of California Press
- Jakobson, R. 1939. *Signe zero*. In *roman Jakobson, selected writings*. Mouton : The Hague. pp. 211-219.
- Kiparsky, P. 1965. *Phonological change*. Massachusetts Institute of Technology.
- Kurylowicz, J. 1947. *La nature des procs dits analogiques*. Acta Linguistica. 5. pp. 17-34.
- Matthews, P.H. 1991. *Morphology*. 2<sup>nd</sup> Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, R.M. 2015. *Trask's historical linguistics*. 3<sup>rd</sup> Edition. London: New York: Routledge.
- Raskin, V. 1985. *Semantics mechanisms of humor*. Dordrecht, The Netherlands: D. Reidel.
- Perek, F. 2015. *Argument Structure in usage- based construction grammar*. Experimental and corpus- based Perspectives. Amsterdam: John Benjamins.
- Spencer, A. 1992. *Nominal inflection and the nature of functional categories*. Linguistics. Cambridge University Press. pp. 331-341.
- Sperber, D; Wilson. D. 1995. *Relevance*. communication, 2<sup>nd</sup> edition. London: Blackwell.
- Trask, R, L. 1996. *Historical Linguistics*. Sussex: Arnold.
- Van Valin, R. D. 2005. *Exploring The Syntax- Semantics Interface*. Cambridge: Cambridge University Pres.

## Humorous Grammatical Innovations in Contemporary Persian Press

Zahra Moein Najaf Abadi <sup>1</sup>  
Vali Rezaei<sup>2\*</sup>

Received: 2020/09/10

Accepted: 2021/07/20

### Abstract

This paper attempts to examine humorous grammatical innovations in contemporary Persian press in recent years within the framework of Bybee's language change theory (2015) in accordance with the usage-based approach to grammar. In this regard, by collecting data from satirical press, this research endeavored to understand how and by which process these innovations have been produced, in which constructions they have been used and what characteristics they have. To this end, the humorous grammatical innovations have been classified in three categories consisting of derivatives constructions, fabricated verbs and constructions with "al-". In this research, we demonstrate that a high number of innovations have been created on the basis of analogical processes. Furthermore the findings suggest that seemingly most of the innovations have the potentiality to enter the formal language but evidently the language enclines to absorb the innovations which have been coined by virtue of the language exigency or the deficits of applicable grammatical constructions.

**Keywords:** Usage-based approach, Language change, Analogy, Re-analysis, Borrowing

### 1. Introduction

When linguistic innovations take place in one language, they may seem humorous to many speakers at first because they are unprecedented.

---

1. M.A in Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Iran.

\*2. Associate Professor of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Iran.  
(Corresponding Author) \* Email: Vali.rezai@fgn.ui.ac.ir



Nevertheless, over a short period of time, some of these humorous innovations enter the standard language due to the linguistic and communication needs, so that it may seem difficult to imagine that at one time these innovations were merely used to create humor and jokes. This study, by examining a number of humorous grammatical innovations used in the press, tries to find out why and through what mechanisms these innovations have been made in contemporary Persian. It also attempts to explore the characteristics of these innovations.

## **2. Theoretical framework**

Bybee's work greatly inspired the creation of usage-based models of language. Bybee's model makes predictions about and explains synchronic, diachronic and typological patterns within languages, such as: which variants will occur in which contexts? what forms they will take, and what would be their diachronic consequences. Bybee proves that even irreducibly irregular word-forms are seen to be non-arbitrary when the context it occurs in is taken into consideration in the very representation of morphology. Simultaneously, she shows that even seemingly regular allomorphy is context-sensitive. Splits also aligns with the idea that linguistic forms cannot be studied as isolated entities, but rather in relation to the strength of their attachment to other entities.

## **3. Methodology**

This research is a data based study attempting to select, classify and analyze data from various sources in the field of grammatical innovations of stire in Persian language. The main newspaper used in this research is the humorous pages of "Qanoon" newspaper. In addition, Gol Agha is another source that has been used to collect data. In addition to these two publications, other publications such as "Humor and Cartoon", "Isfahan Nimroz" and "Chelchelragh" have also been used to collect data. After collecting the data, they were first classified into three sections, including innovations related to derivative constructions, innovations related to fabricated verbs, and innovations related to AI- construction. In the next step, an attempt has been made to address the linguistic and non-linguistic needs based on the presented analysis of each data set, which have played a role in the creation and emergence of each of these innovations, and finally the reasons for consolidation and the lack of consolidation of these grammatical innovations in language is examined.

## **4. Results and discussion**

In this research, we indicated that a high number of innovations have been created in the basis of analogy. Furthermore, the findings suggest that seemingly most of the innovations have the potentiality to enter the formal language but evidently the language enclines to absorb the innovations which have been coined by virtue of the language exigency or the deficits of applicable grammatical constructions. In fact, in this article, it was shown that humorous grammatical constructions in many cases indicate the need of the Persian language for the mentioned constructions. This brings to mind the common saying that any joke may express a serious fact.

### **5. Conclusions & Suggestions**

In this study, it was found that innovations in derivative constructions have been created in most cases in comparison with existing constructions in Persian language, which in some cases has been accompanied by borrowing from Arabic and European loanwords. But in the meantime, innovations invented solely to create humor do not seem to enter the official language, even if they are of high-frequency. In addition, in the case of fabricated verbs, it was found that in some cases these verbs were created due to the principle of linguistic economics. In this case, speakers tend to use the simple form of the verb instead of its compound form. But in most cases, fabricated verbs are created due to the lack of the present tense to express some concepts or processes. Regarding the humorous innovations in Al- constructions, it was also revealed that apparently due to the long-term contact of Persian speakers with the Arabic language, some constructions of the Arabic language have entered the Persian language. But in the meantime, the use of Persian words in grammatical constructions of the Arabic language based on the theory of heterogeneity due to being humorous has been widely observed as a tool to create humor by satirists.

### **Select Bibliography**

- Ahmadi-Givi H. and Anvari, H. 2006. *Persian Grammar*, 2<sup>nd</sup> ed. Tehran: Fatemi Publication. [In Persian]
- Attardo, S. 2008a. *Semantics and Pragmatics of Humor*. Blackwell: Language and Linguistics Compass.
- Bybee, Joan. 2010. *Language, usage and cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bybee, Joan. 2015. *Language change*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Grice, p. 1975. *Personal Identity*. Berkely: University of California Press.
- Matthews, P.H. 1991. *Morphology*. 2<sup>nd</sup> Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, R.M. 2015. *Trask's historical linguistics*. 3<sup>rd</sup> Edition. London: Newyork: Routledge.
- Naghzhuy Kohan, M and Davari, S. 2013. Pseudo-affixation. *Researchs in comparative Linguistics*. 2(1), 65-85. [In Persian]
- Raskin, V. 1985. *Semantics mechanisms of humor*. Dordrecht, The Netherlands: D.Reidel.
- Sadeghi, A. 1993. On fabricated verbs in Persian. *Proceedings of the scientific Persian Seminar*. Tehran: Iran University Press. [In Persian]

